



زینب‌های عاشورای روزگار ما



مریم
قربانزاده
نویسنده

خورشید

جامعه به تندباد جنگ و ظلم خراب نشود. این حق اجتماعی را ما باید جبران کنیم، ما مردم.

نهادهای سازمان‌ها هرچه بکنند در راستای مصوبات است و باید درست اجرایشان کنند اما این از ما «مردم» سلب مسئولیت نمی‌کند. ما اگر زبان به تنیدی بچرخانیم و قلب آزاده یک همسر شهید و فرزندان را بیازاریم ناسپاسی کرده‌ایم. اگر چشمان به دنبال تسهیلات مادی و ناچیز ارگان‌های حاکمیتی برود و بارهای روی دوش یک همسر شهید را نبینیم ناسپاسی کرده‌ایم. ما

مردم ناسپاسی نیستیم پس یاورشان باشیم. برای این همسران شهید، در این سال‌ها و این روزها همان‌طور یاور و همدل و هم‌زبان باشیم که برای همسران شهدای هشت سال دفاع مقدس بودیم. همان‌طور حمایتشان کنیم که آن‌ها را حمایت کرده‌ایم. تاریخ از این دست زنان فراوان دارد. آن‌ها که پای اعتقادشان ماندند هم خودشان به خیر و سعادت رسیدند هم جامعه را به صلاح و کمال نزدیک کردند. یاری‌شان کنیم تا در ادامه راه مردشان، کم نیاورند و از نا نیفتند. از شهید دارایی دو فرزند شش ساله و دوساله به یادگار مانده‌اند. راه طولانی بزرگ شدن و به ثمر رسیدن را با محبت و مهر گرمایم برایشان کوتاه کنیم.

شهدای نسل دفاع مقدس دوباره تکرار می‌شوند، همان شهدا، همان همسران جوان و همان فرزندان خردسال. این روزها دو شهید از دو نسل عروج کردند، نسلی از یادگاران دفاع مقدس و نسلی از دهه ۷۰. هردو در یک جبهه و یک مرام بودند و جان دادند. استمرار پیام سرخ عاشورا در طول تاریخ، انسان را متحیر می‌کند.

رسالت زینب‌وار یادگاران عاشورا هم چنان ادامه دارد ما هم رسالت زینب‌مان را ادامه می‌دهیم هر عاشورایی زینب‌ها لازم دارد و «کل یوم عاشورا».

بودن، تضمین یک زندگی و عاقبت خوش و خیر نمی‌کند. مادر اگر رسالتش را دنبال کند و بچه‌ها را در مسیر پدر بار بیاورد، خوشبختی و سعادت برای فرزندان شهید حتمی است.

تعارف نداریم! فرزندان شهدا را اگر در مسیر صلاح و سعادت می‌بینید فقط برای این نیست که فرزند شهیدند بلکه برای این است که یک زن از همه خواسته‌ها و آرزوهای گذشته و جهاد کرده است تا فرزندانش را به کمال برساند و در مسیر رضایت خدا بزرگشان کند.

همسر شهید برای به کمال رساندن فرزندانش سختی‌های زیادی را تحمل می‌کند. غم نان و درس و اجاره خانه و شغل و... و غصه‌های کوچک اویند. کاش حرف دلشان را برای شما بر زبان بیاورند و از دلتنگی بچه‌ها بگویند وقتی معصومه مادر را نگاه می‌کنند و سراغ پدر را می‌گیرند. یتیمی پرغصه‌ترین درد عالم است. فرقی نمی‌کند با دشمنه جهالت و تکفیر یتیم شده باشند یا در یک تصادف جاده‌ای یا با یک مریضی لاعلاج.

زن‌هایی که یتیم دارند، هرچه هم داشته باشند، باز تنهایند. پناهشان همان یک متر سنگ سرد است که هفته به هفته کنارش بنشینند و گزارش بدهند.

ما چه می‌توانیم بکنیم؟ حمایت. حامی باشیم و تکیه‌گاه. غم یتیمی و دلتنگی برایشان بس است. همسایه‌های خوبی باشیم. یاوران صادقی باشیم. دوستان صدیقی باشیم.

این کشور از این دست همسران شهدا فراوان دیده و دارد. کسانی که خودخواسته مرگ سرخ را انتخاب کردند تا پای متجاوز را در چکمه بشکنند و دست تفرقه را در آستین قطع کنند، حق اجتماعی بزرگی بر گردن ما دارند. کسانی که از آرامش و عشق‌های نازنینشان گذشتند تا کاشانه‌های عشق

از سر همان سفره ساده و پربرکت که خطبه خوانده می‌شود تا هر جا که قسمت باشد یک زن و مرد با هم‌اند. کمبودها هرچه باشد و ناامیلات هرچه پیش آید، راهشان از هم جدا نمی‌شود، اگر دلشان با هم باشد. چه بسا که مرگ هم آن‌ها را از هم جدا نکند. پیوندهایی که رگ و ریشه الهی و آسمانی داشته باشند با مرگ هم ناگسستنی‌اند. مرگ هر جور که بیايد، غصه را با خودش می‌آورد. غم بی‌پناهی، غصه تنهایی، ماتم یتیمی. «سایه سر» تعبیر زیبایی است از همسری و هم‌نفسی که وقتی می‌رود دیگر هیچ چیز سر جایش نیست. روضه زنان همسر از دست داده همین‌هاست. تلخی روزگار را آن‌ها می‌فهمند و یک عمر می‌چشند و دم بر نمی‌آورند. چه حرف‌ها که در سینه‌هایشان رسوب می‌کند و چه درددل‌ها که بین لب‌هایشان ترک می‌خورد اما بر زبان نمی‌آید. زنان جوان زیادی را می‌شناسم که همسرانشان از جنگ برنگشتند یا پیکری سرخ و صد چاک برایشان آوردند. فرزندان که بی‌پدری را در پناه مادرشان جستند و حمایت بستگان بار غمشان را تسکین داد. این راه پایان ندارد. مادام که جنگ عقیده هست، شهادت هم هست. بی‌پناهی هم هست. غم و غصه یتیم داری هم هست. مردها دلشان به همین صوری‌ها و یاری‌ها محکم می‌شود تا پا در رکاب جهاد بگذارند، چه جهاد جان و نفس باشد چه جهاد مال و توان. شهادت برای هر جهادگری محتمل است. پدر باشد یا پسر، دهه پنجاهی باشد یا دهه هفتادی، میان سال باید یا نورس. در این باغ بسته نمی‌شود. شهادت برای همه سعادت است به‌ویژه برای شهید. از فردای شهادت، صحنه زندگی برای همسر و فرزندان جور دیگری طراحی می‌شود. از فردای شهادت یک زن باید هم‌مادری کند هم پدر باشد. فرزند شهید